

شاهان صفوی و موسیقی^۱

قنبرعلی رودگر

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی،

تهران، ایران

علی محمدی^۲

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و

تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

موسیقی ایرانی در عصر صفوی، همانند بسیاری از مظاهر فرهنگی و اجتماعی زندگی ایرانیان، از سیاست‌های حکومت دیرپای صفوی سخت تأثیر پذیرفت. این تأثیرپذیری البته در دوره‌های سلاطین مختلف تفاوت داشت، چنان که در عهد شاه عباس اول به دلیل علاقه او به موسیقی، این هنر رونقی گرفت و برعکس در دوره شاه طهماسب اول، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین که تحت تأثیر فقها با موسیقی مخالف بودند، این هنر روی به انحطاط نهاد و موسیقی‌دانان با تضيیقات بسیاری مواجه شدند و از همین رو، شمار زیادی از آنان ناگزیر از مهاجرت به سرزمین‌های خارج از قلمرو صفوی شدند.

کلیدواژه‌ها: صفویان، موسیقی ایران، فقها و موسیقی.

۱. تاریخ وصول: ۱۹۰/۸/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۱۰/۲۹.

۲. نویسنده مسئول، پست الکترونیک: yamailali@yahoo.com

مقدمه

دوران نسبتاً طولانی صفوی، که پایه‌های حکومت یکپارچه ملی در ایران استوار شد، بر جمیع جنبه‌های زندگی مردم تأثیری عمیق و دیرپا نهاد. موسیقی نیز به عنوان ابزاری در خدمت دربار و نیز وسیله‌ای برای اظهار احساس توده‌های مردم از این تأثیر بر کنار نماند و به تدریج مسیر خاصی برای آن رقم خورد. از جمله عوامل مؤثر در تحولات موسیقایی، توجه شاهان و صاحب منصبان وقت به این هنر بود که میزان این توجه رابطه مستقیمی با سیر صعودی و نزولی موسیقی داشته است.

شاه اسماعیل اول

با شکل‌گیری دولت صفوی به دست شاه اسماعیل اول در ۹۰۷ هـ و به علت علاقه و توجه او به شعر و موسیقی، زمینه‌های رونق این هنرها در همان اوایل حکومت صفوی فراهم گردید^۱ و چنان‌که در منابع منقول است شاه اسماعیل خود با تخلص خطایی شعر می‌سرود و از او آن کودکی با برخی از سازهای زهی مانند تار و انواع آن آشنایی داشت.^۲ شاید به سبب همین علایق شخصی شاه بوده باشد که در دربار او، آن چنان‌که از منابع قدیم بر می‌آید، موسیقی جایگاه والایی یافت.^۳ در منابع از مجالس بزم در دربار او سخن رفته که در آنها سازهای مختلفی چون ارغنون، چنگ، دایره، رباب، عود، نی و دیگر آلات موسیقی نواخته می‌شد.^۴

بنابر گزارش شماری از منابع قدیم، «همواره مجالس عیش و کامرانی انعقاد یافته ... و مغنیان خوش آواز با الحان بهجت افزای ... و سازندگان نغمه‌پرداز به نوای چنگ و قانون، علت سودا از دماغ اهل جنون بیرون می‌بردند»^۵ و «توازندگان نغمه‌پرداز، پرده سازها و شعبه آوازها موافق ساخته، در مقام دلگشایی آهنگ خوش‌نوایی را در عراق به اصفهان رسانیدند و عندلیبان به لطف غنا و حسن لهجه با وجود زمستان شعبه نوروزی را از حجاز گذرانیدند»^۶ و مطربان

۱. خواند میر، ۴/۴۶۷-۴۶۸؛ روملو، ۸۶.

۲. خطایی، ۱۲؛ سام میرزا، ۸۳-۸۴.

۳. خواند میر، ۳/۵۹-۶۰؛ تاریخ جهانگشای خاقان، ۲۲۰-۲۲۲.

۴. واصفی، ۲/۲۵۴؛ روملو، ۲۴۵.

۵. خواند میر، ۴/۴۷۳.

۶. امینی، ۲۵؛ تاریخ جهانگشای خاقان، ۳۹۷-۳۹۹.

«آغاز خواندن و نواختن چنگ و ارغنون نمودند»^۱ و «هر دم به آهنگی دیگر با الحان دلگشای و نواهای فرح افزای، چنگ در عود و چنگ زده، لوازم تهنیت به تقدیم رسانیدند»^۲.

فرشته به چرخ آمد اندر هوا	ز نغمه سسرایان زهره نوا
نی انگشت حسرت به دندان گرفت	مغنی چو دف را به دستان گرفت
ز جان حریفان بر آورد دود ^۳	چو زلف پری پیکران تار عود

در فتوحات شاهی نیز گزارشی آمده که بر پایه آن، موسیقی در عصر شاه اسماعیل اول (حک: ۹۰۷-۹۳۰ هـ) علاوه بر دربار، پیش روی مردم نیز اجرا می‌شد.^۴ در این دوره زنانی نیز دست‌اندرکار موسیقی بودند که منابع تاریخی جز به ندرت، از ذکر نام این زنان خودداری و از آنان با صفاتی چون مغنیه، مطربه، رقاصه یاد می‌کنند،^۵ مثلاً واصفی در یک مورد خاص از زنی به نام چگر چگنی مغنیه، نام برده که چنگ می‌نواخته است.^۶

رونق موسیقی در عصر شاه اسماعیل اول، فقط به وجود مجالس موسیقی و یا تنوع سازها خلاصه نمی‌شده است؛ توجه به این هنر را می‌توان در خیل عظیم موسیقی‌دانان و نوازندگان و خوانندگان این عصر و نیز القاب مطمئنی که بدانها داده می‌شد، ردیابی کرد که از آن جمله‌اند: خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید که «سبک و روشی ممتاز در موسیقی داشت»^۷ و بنابر آنچه آنچه نقل کرده‌اند، «میر ابراهیم قانونی در نواختن ساز قانون، روش خواجه عبدالله پیش گرفته و نعماتش با آهنگ و سنگین بوده است»^۸ نیز باید از استاد دوست محمد عودی و محب علی

۱. تاریخ جهان‌گشای خاقان، همانجاها.

۲. خواند میر، ۶۰/۴.

۳. روملو، ۲۴۵.

۴. امینی، ۱۷۶-۱۷۷، ۲۲۰.

۵. خواند میر، ۴۷۳/۴؛ روملو، ۲۴۵.

۶. واصفی، ۶-۴/۲؛ به زعم برخی از محققان، مثلاً استاد ابراهیم باستانی پاریزی، لقب حافظ که پیش از موسیقی‌دانان این روزگاران (تیموری و صفوی) آمده، نه به معنی حافظ قرآن که به مفهوم حافظ ردیف‌های موسیقی و مسلط بر خم و چم‌هایابین فن و تصنیف و نواختن و اجرای آهنگ‌های گوناگون بوده است. (انوری،

۲۴۵۰/۳)

۷. سام میرزا، ۷۳.

۸. همو، ۷۳.

نایی نام برد که از او ان کودکی شاه در خدمت او بوده‌اند.^۱ افزون بر این، موسیقی‌دانانی در این دوره می‌زیسته‌اند که علاوه بر نوازندگی، حافظ قرآن نیز بوده‌اند؛ از جمله این افراد می‌توان به مولانا حافظ مجلسی و مولانا طبسی یا خواجه طبسی اشاره کرد که در نواختن سازهای زهی چون قانون و شترغو تبحر داشته‌اند.^۲ به نوشته خواند میر در عصر شاه اسماعیل اول، به نوازندگان لقب «چالچی»، اطلاق می‌شده است.^۳ از همین رو در دوره‌های بعدتر به سرپرست سازمانی که برای سامان دادن به موسیقی تعیین گردید، لقب «چالچی باشیگری» داده شد.^۴

آغاز رکود: با وجود این زمینه‌های مساعد و مناسب برای موسیقی، دوره شاه اسماعیل اول، به عللی که تفصیل آن در ادامه خواهد آمد، شاهد دشواری‌هایی نیز برای موسیقی‌دانان بوده است که به ظهور موانعی بر سر راه پیشرفت موسیقی انجامید.

بنابر شواهد تاریخی، در پی سیاست‌های شاه اسماعیل اول در حمایت ویژه از مذهب شیعه و سخت‌گیری بر مذاهب رقیب، بسیاری از پیروان اهل سنت که نمی‌خواستند با شرایط جدید سازگار شوند، به فکر مهاجرت افتادند.^۵ در کنار مهاجرت ادیبان، شاعران، معماران و صنعت‌گران، مهاجرت موسیقی‌دانان ایرانی نیز به سرزمین‌هایی چون ماوراءالنهر، هندوستان و دیگر نواحی مجاور قلمرو صفویه چشمگیر است. از جمله این موسیقی‌دانان طرد شده و مهاجر می‌توان به نوازندگان سازهای بادی چون زین الدین محمودبن عبدالجلیل، مشهور به واصفی نی‌نواز، مؤلف *بدایع الوقایع* اشاره کرد. رساله وی گرچه در زمینه معرفی سازها خالی از فایده نیست، لیکن در بیان وضع اجتماعی موسیقی‌دانان اوایل حکومت صفوی اهمیت زیادی دارد و از قدیم‌ترین منابع برای بررسی تاریخی مهاجرت موسیقی‌دانان ایرانی در عصر شاه اسماعیل اول به دربار تیموریان است.^۶ هم‌چنین باید از استاد حسینی کوچک نای، نی‌نوازی بلندآوازه نیز نام نام برد.^۷ از میان نوازندگان سازهای زهی و آرشه‌ای نیز این اسامی قابل توجه است: قاسم علی

۱. همو، ۱۳۹ - ۱۴۰.

۲. همو، ۱۳۷، ۲۸۹.

۳. خواند میر، ۴ / ۵۶۵؛ چالچی لغتی است ترکی، به معنای نوازنده آلات موسیقی.

۴. شاردن، ۱۱ / ۱۱۵؛ کمپفر، ۱۰۷.

۵. خطایی، ۱۶۷؛ خواند میر، ۴ / ۴۶۷ - ۴۶۸؛ روملو، ۸۵ - ۸۶.

۶. نک: واصفی، ۲ ج.

۷. همو، ۴ / ۱ - ۶، ۱۲۰؛ همو، ۲ / ۲۶۵ - ۲۷۹.

قانونی، نوازنده و سازنده برجسته قانون، استاد حسن عودی، نوازنده متبخر ساز عود^۱ و سرانجام از میان خوانندگان و مصنفان مهاجر، وصلی تبریزی مصنف و غفوری خواننده سرآمد بوده‌اند.^۲ شاید به دلیل همین مهاجرت‌ها بوده که برخی از نویسندگان معاصر بدون اعتنا به جنبه‌های شکوفایی موسیقی در عصر شاه اسماعیل اول، بر خلاف مستندات تاریخی، اظهار کرده‌اند که شاه اسماعیل با موسیقی مخالفت کرده و این هنر در دوره او هیچ جایگاهی نداشته است.^۳ این نظر در حالی ابراز شده است که نه تنها هیچ فرمانی دال بر منع موسیقی، در هیچ یک از منابع قدیم این عصر گزارش نشده، بلکه گزارش‌های فراوانی چنان که گذشت، حاکی از رواج موسیقی در دست است.^۴

شاه طهماسب اول

تداوم رکود: حکومت عمیقاً مذهبی صفوی، بر بهره‌گیری از باورهای شیعی برای پیش‌برد اهداف سیاسی خود تأکید داشت.^۵ بدین منظور، سلاطین صفوی بر آن شدند تا به علمای شیعی برجسته هم عصر خود، با اعطای زمین و املاک و معافیت‌های مالیاتی ویژه نزدیک شوند،^۶ تا هم بر حکومت خویش، جامهٔ مذهب بپوشند و هم با اتکا بر حمایت آنان، توان مقابله فقهی و کلامی با پیروان اهل سنت را بیابند.^۷ علاوه بر این صفویان با بهره‌گیری از فتاوی فقهای شیعه توانستند از نفوذ و اعتبار آنان به عنوان پشتوانه برای اجرای نیات خویش استفاده برند بی‌آنکه به اعمال خشونت آمیز شوند.^۸

به هر رو، ورود علما و فقهای شیعه به دربار صفویان و نقش آفرینی آنان در جریان‌های دینی و سیاسی، خواه ناخواه آنان را با زندگی روزانه مردم درگیر می‌کرد. یکی از ابعاد زندگی،

۱. همانجاها.

۲. سام میرزا، ۱۴۳، ۱۶۲.

۳. نک: مشحون، ۲۸۰؛ راهگانی، ۳۱۸.

۴. نک: امینی، ۳۶-۳۷، ۱۷۶ - ۱۷۷، ۲۰۲-۲۰۵؛ خواند میر، ۴/ ۵۱۷-۵۱۸، ۵۵۵-۵۵۶.

۵. سیوری، ۲۵-۲۷.

۶. یحیی قزوینی، ۴۲۲.

۷. نک: ادوارد براون، ۳۱۲؛ دوین جی استوارت، "نکاتی درباره مهاجرت فقهای عاملی به ایران عهد صفوی". صفوی.

۸. خواند میر، ۴/ ۴۶۷-۴۶۸؛ یحیی قزوینی، ۳۹۴؛ نویدی، ۴۱؛ قاضی احمد قمی، خلاصه التواریخ، ۷۳.

موسیقی بود که هم مایه رونق دربار بود و هم در بین توده مردم طالبان و هواخواهان بسیار داشت. چنان که فقها که بویژه نسبت به حفظ ظواهر شریعت، حساسیت داشتند و به طور سنتی با موسیقی اعم از تعلیم، نواختن و ساختن آلات آن، مخالفت می کرده‌اند، با دستیابی به قدرت و تصدی مناصب مؤثر حکومتی، مانند شیخ الاسلامی، برای جلوگیری از منکرات آن وارد عمل شدند. با این همه، شماری اندک از فقهای شیعه نظریه نسبتاً معتدل تری به موسیقی داشتند که این خود موجب منازعاتی میان آنان با علمای سخت‌گیرتر می‌شد.^۱ دو نماینده بارز این منازعات، یکی شیخ علی بن حسین بن عبدالعالی معروف به محقق کرکی یا محقق ثانی (۸۷۰ هـ - ۹۴۰ هـ) از علمای مهاجر جبل عامل لبنان بود و دیگری ابراهیم بن سلیمان بن بحرینی (د. ۹۵۰ هـ) معروف به شیخ ابراهیم قطیفی.^۲ محقق کرکی، خواندن آواز و خوانندگی زنان در مجالس عروسی را به شرطی که مردان نشنوند، جایز می‌دانست.^۳ در مقابل، گروهی قائل به حرمت مطلق موسیقی بودند.^۴ غیاث الدین منصور دشتکی شیرازی صدر (د. ۹۴۸ هـ) و امیرنعمت الله صدر نیز در این تعارض‌ها از یک سو، برای تضعیف قدرت بالای علمای مهاجر چون محقق کرکی و از سوی دیگر، برای تقرب جستن نزد شاه طهماسب با شیخ ابراهیم قطیفی همداستان شدند^۵ و به تأثیرپذیری از او، موضع سخت‌گیرانه‌ای بر ضد موسیقی گرفتند. از این رو، اینان با همکاری دیگر علمای ایرانی چون قاضی مسافر و مولانا حسین اردبیلی و نیز با حمایت تنی چند از رجال دولت، مثل محمودبیگ مهرداد و ملک بیک خویی، رساله‌ای در باب تحریم موسیقی نگاشتند.^۶ این سخت‌گیری‌ها نه تنها بر ضد موسیقی حرفه‌ای، بلکه علیه صوفیان هم بود که موسیقی و مراسم سماع در میان آنان رواج داشت بود نفوذ گسترده‌شان در حکومت، عزم علما را برای مقابله با آنان جزم‌تر می‌کرد.^۷

۱. روملو، ۳۳۳-۳۳۴؛ عالم‌آرای صفوی، ۴۸۰؛ اسکندرنمنشی، ۱/ ۱۴۴؛ واله اصفهانی، ۴۲۷.
۲. امیر محمودخواند میر، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب، ۱۰۷؛ نویدی، ۶۶-۶۷؛ روملو، ۳۲۰-۳۴۹.
۳. محقق کرکی، جامع المقاصد، ۲۳/۴.
۴. فخرالزمانی، ۱۵۷؛ میر صدر الدین دشتکی صدر، الذکری، (رضا مختاری و محسن صادقی) غنا و موسیقی ۱/ (۳) ۱۵۹۵.
۵. تذکره شاه طهماسب، ۳۰؛ روملو، ۳۲۳.
۶. روملو، ۳۳۳-۳۳۴؛ قاضی احمدقمی، ۱/ ۳۳۶-۳۳۸؛ واله اصفهانی، ۴۲۷؛ افندی، ۳/ ۳۸۶-۳۸۷.
۷. روملو، ۳۳۳-۳۳۴؛ افوشته ای نطنزی، ۳۴.

علما علاوه بر اینکه دارای نفوذ و قدرت اجتماعی بودند، به طور ویژه از کمی سن و سال شاه طهماسب بهره بردند و بر او تسلط یافتند و او را در اجرای شعائر و احکام مذهبی ترغیب می‌کردند. با چنین زمینه‌های مساعدی که برای قدرت‌نمایی علما وجود داشت، شاه طهماسب به پذیرش و اجرای هر تصمیم، به ویژه تحریم موسیقی تن داد. ظاهراً علما و فقها برای ترغیب شاه به تحریم موسیقی، او را وا داشتند تا به اتکای خوابی که در باب حرمت موسیقی دیده، هم عوام را بفریبند و هم از سرزنش قزلباشان تصوّف‌گرا، که مخالفت با آنان نوعی مخالفت با دولت نیز محسوب می‌شد، درامان بمانند.^۱ بدین ترتیب شاه طهماسب اول، در حالی که نوزده سال بیش نداشت، مدعی شد در خواب به پرهیز از مناهای و ملامی مأموریت یافته است.^۲ با چنین زمینه‌هایی بود که نخستین فرمان حکومتی در جهت منع فعالیت‌های موسیقی در سال ۹۳۹ هـ صادر شد. این فرمان چنان قاطع و جدی بود که راه را بر هر گونه فعالیت موسیقایی بست.^۳ روملو در ضمن گزارش حوادث همین سال می‌نویسد: «اندر این سال، شاه دین پناه از جمیع مناهای توبه کرد. فرمان همایون شرف نفوذ یافت که ... مغنی بی معنی گوی را، اگر بی قانون شرع آواز کند، چون مقنی به زخم گوشمال، فریاد از نهاد او بر آرند. و چنگ بی‌ننگ را در کنار هر کس ببینند، موی گیسو ببرند. نی اگر بی‌آهنگ شرع راه برگیرد، نگذارند که نفس از او بر آید. طنبور بی‌مغز نامعتدل گو را چنان زنند که چون عود سوزد، و رباب خوش مزاج را در هر مجلس که ببینند، بر خرش نهاده اخراجش نمایند.»^۴

با وجود این اقدامات، دولت صفوی نتوانست به طور کامل از رواج موسیقی جلوگیری نماید، چنان که حتی از پس پرده‌های دربار نیز، نواهایی به گوش می‌رسید و نوازندگان و خوانندگان در مجالس شاهان، امرا و بزرگان رونق‌آزایی می‌کردند.^۵ در واقع از یک طرف موسیقی در میان مردم منع می‌شد و از طرفی دیگر در دربار رواج داشت. به نوشته اسکندر منشی یک بار شاه در مراسم عروسی پسر دوم خود اسماعیل میرزا به رقص درآمد.^۶ یک نشانه

۱. تذکره شاه طهماسب، ۳۰؛ *عالم آرای صفوی*، ۶۳؛ هدایت، ۷۰۹۳/۸.

۲. تذکره شاه طهماسب، ۳۰؛ روملو، ۳۲۳.

۳. روملو، ۳۲۳؛ اسکندرمنشی، ۲۰/۱؛ بوداق قزوینی، ۱۴۵؛ میرزا محمد طاهر قزوینی، *تاریخ جهان آرای عباسی*، ۸۰.

۴. روملو، ۳۲۳؛ نیزنک: اسکندرمنشی، ۲۰/۱؛ قاضی احمدقمی، *خلاصه التواریخ*، ۳۸۰/۱.

۵. امیر محمود خواندمیر، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب*، ۲۵۷؛ روملو، ۴۹۹-۵۰۱؛ داودقلی شاملو، ۶۳-۶۸.

۶. اسکندرمنشی، ۲۱۵/۱.

رواج موسیقی این بود که بیست و چهار سال بعد از فرمان نخست شاه طهماسب در منع موسیقی، بار دیگر در سال ۹۶۳ هـ فرمانی در منع موسیقی صادر شد.^۱ این قانون آن چنان سخت‌گیرانه بود که علاوه بر نوازندگی، ساخت آلات موسیقی را نیز ممنوع می‌کرد و حتی گاه به عزل افرادی از صاحب منصبان بلند پایه حکومتی می‌انجامید، که اوقاتی را با مطربان و مغنیان نشسته بودند.^۲ به گزارش روملو: «شاه دین پناه پس از توبه خود از منهیات و مسکرات و آلات لهو و لعب، در فرمانی امر می‌کند که در غیر نقاره‌های همایونی که در مملکت محروسه است، دیگر در جایی سرنا و ساز نوازند، اگر معلوم شود احدی ساز ساخته، هر چند دف باشد، مجرم است».^۳

بدین سان با غالب شدن اندیشه ضد موسیقایی در عصر شاه طهماسب اول، نوعی نگرش منفی به موسیقی در سطح جامعه گسترش یافت و آسیبی جبران‌ناپذیر بر موسیقی ایران وارد شد. و به تحقیر و طرد استادان موسیقی و شاگردان مستعد آنان انجامید. به گزارش منابع ادبی و تاریخی، نوازندگان به دلیل احساس ناامنی و برای در امان ماندن از اقدامات تعصب‌آمیز برخی از مردمان، یا دست از کار خود کشیدند و یا درخفا به کار خود ادامه دادند و شمار قابل توجهی نیز راه مهاجرت پیش گرفتند.^۴ مشهورترین آنان خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید کرمانی بود که سبکی در نواختن ساز قانون ابداع کرده بود.^۵ وی صاحب مونس الاحباب، الاحباب، تاریخ منظوم یا تاریخ شاهی و خسرو و شیرین است که در شاعری بیانی تخلص می‌کرد و سرانجام در سال ۹۵۰ هـ.ق. درگذشت.^۶ نیز استاد بهرام قلی و ادهم بیگ قزوینی بودند که در نواختن ساز تبخّر داشتند.^۷ همچنین باید از موسیقی‌شناس برجسته درویش حیدر تونیانی مصنف (د. ۹۶۶ هـ) و سید علاءالدین حسنی (د. ۹۸۸ هـ) نام برد.^۸ دیگر اکبر کمانچه‌ای کمانچه‌ای و استاد سید علی غیچکی یا قیچکی، استاد یوسف مودود هروی، استاد حافظ قانونی،

۱. روملو، ۴۹۹-۵۰۱؛ اسکندرمنشی، ۱۹۰/۱.

۲. تاریخ الفی، ۵۸۳۸/۸.

۳. روملو، ۴۹۹-۵۰۱.

۴. اسکندرمنشی، ۱۹۰/۱؛ واله اصفهانی، ۴۸۲.

۵. سام میرزا، ۷۳-۷۴؛ فخرالزمانی، ۸۴.

۶. فخرالزمانی، همانجاها.

۷. همانجاها.

۸. اوحدی، ۱۶۰؛ نیزنک: میرعلاءالدوله قزوینی، ۵۸، ۱۸.

حافظ سلطان و ملا قاسم ارسلان و فکری رازی و لوایی سبزواری بودند که به علت بالا گرفتن موج ضد موسیقایی در عهد شاه طهماسب اول، از ایران رانده شدند و به هندوستان کوچیدند.^۱

بازشکوفایی

دردوره شاه اسماعیل دوم (حک: ۹۸۴-۹۸۵ هـ) و سلطان محمدخدابنده (حک: ۹۸۵-۹۹۶ هـ) بر خلاف عصر شاه طهماسب اول، به سبب کاسته شدن قدرت علما^۲ و توجه و علاقه این دو پادشاه به نوازندگی،^۳ موسیقی جانی تازه یافت. به گزارش روملو «شاه اسماعیل ثانی، جمیع امرا و ارکان دولت را طلب کرده نغمه عود و چنگ از مطربان خوش آهنگ بلند شد».^۴

همه مطربان چست و شیرین زبان
 به نغمه شکر ریخته از بنان
 دف از دسته مطربان کامیاب
 مهی بود در پنجه آفتاب^۵

به سبب حمایت این پادشاهان از خوانندگان و موسیقی دانان، از به کارگیری القاب تحقیرآمیزی که به نوازندگان داده می شد، جلوگیری به عمل آمد.^۶ چنین زمینه‌هایی، محیطی نسبتاً آرام برای نوازندگان و خوانندگان در قلمرو صفویه فراهم آورد؛^۷ حتی در این دوره اداره و تشکیلاتی خاص موسیقی دانان در دربار شکل گرفت و موسیقی دانان بلند آوازه‌ای متصدی این امور شدند.^۸ شدند.^۹

بدین سان در این سال‌ها، موسیقی از محدودیت‌های سابق رها شد و اغلب موسیقی دانان مهاجر، که در مناطق و نواحی دور ایران پراکنده بودند، زمینه را برای بازگشت به وطن و پایتخت مساعد دیدند.^{۱۰} واله اصفهانی از موسیقی دانانی که در عصر شاه طهماسب اول مهاجرت و اکنون به ایران مراجعت کرده بودند، به تفصیل یاد می کند. از آن جمله‌اند: استاد معصوم

۱. میرعلاءالدوله قزوینی، ۵۸.

۲. اسکندرمنشی، ۲۱۳/۱-۴۵۸-۲۱۴-۶۲۲.

۳. روملو، ۷۲۰.

۴. همو، ۶۴۴.

۵. همانجاها.

۶. روملو، ۶۴۷؛ واله اصفهانی، ۴۸۳-۴۸۵.

۷. افوشته ای نطنزی، ۲۶۳-۲۶۵.

۸. واله اصفهانی، ۴۸۳-۴۸۵.

۹. همو، ۴۸۳-۴۸۵.

کمانچه نواز و میرزا محمد کمانچه‌ای که در نواختن عود نیز متبحر بودند.^۱ دیگر استاد دوست محمد عودی بود که به تند مضرابی و تردستی در زمان خود ممتاز بود.^۲ همچنین از استاد تیمور، میرزا محمد و میرزا حسن نام برده شده که در نواختن طنبور مهارت داشتند، استاد محمد شترغویی نیز در نواختن سازهای زهی ماهر بود.^۳ مشهورتر از همه این افراد، حافظ جلاجل با خرزى بود که به رتبه چالانچی باشیگری ارتقا یافت.^۴ بدین سان، طی یک دهه شمار زیادی از موسیقی‌دانان برجسته ایرانی به موطن خود بازگشتند و زمینه برای پیشرفت نظری و عملی موسیقی در عصر شاه عباس اول، هموار گردید.

شاه عباس اول

رونق و پیشرفت همه‌جانبه دوره سلطنت شاه عباس اول (حک: ۹۹۶-۱۰۳۸ هـ) اوج شکوفایی ایران عصر صفوی در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی بوده است.^۵ وضع ایران در این دوره با اوایل حکومت صفوی کاملاً متفاوت بود. سیاست تشویق به شهرنشینی، تسامح مذهبی و آزادی دینی ایران،^۶ سفرا، جهانگردان، بازرگانان و بسیاری از مسیونرهای مذهبی را با اهداف متفاوت، به ایران کشاند. این روند منجر به گسترش روابط فرهنگی با کشورهای اروپایی گردید و تأثیری عمیق بر زندگی اجتماعی مردم ایران نهاد، و در زمینه‌های گوناگون هنری تحولات پایداری پدید آورد.^۷ از جمله این هنرها، موسیقی بود که رونق آن را می‌توان از تألیف رساله‌هایی نو، با دید تحقیقی عمیق و بنیادی درباره نظام موسیقایی، ساز و آواز، توسط موسیقی‌شناسان همین دوره دریافت.

توجه ویژه شاه عباس به ارتباط با دول خارجی که به نوعی زمینه‌ساز و سرآغاز ورود ایران عصر صفوی به عرصه سیاست جهانی بود، در سرنوشت موسیقی ایرانی نیز مؤثر افتاد. البته در این دوره نیز افکار عموم مردم نسبت به حضور اروپاییان و جمعیت‌های غیرمسلمان در ایران و

۱. اسکندر منشی، ۱۹۰/۱؛ واله اصفهانی، ۴۸۴-۴۸۵.

۲. واله اصفهانی، ۴۸۴-۴۸۵.

۳. همو، همانجاها.

۴. واله اصفهانی، ۴۸۵.

۵. افو شته ای نطنزی، ۵۷۳-۵۷۹؛ اسکندر منشی، ۸۳۱/۲، ۱۱۱۰-۱۱۱۱.

۶. سیاحت‌نامه شاردن، ۷۶۳/۲.

۷. شیلا بلر و جانا تان بلوم، ۴۴۳.

توجه آنها به موسیقی و همچنین نقش آفرینی زنان موسیقی‌دان در جامعه، همانند اوایل حکومت صفویه، کمابیش سخت‌گیرانه بود.^۱ شاه عباس برای ایجاد زمینه‌ای مناسب‌تر در پیش‌برد سیاست‌های جهانی و فرهنگی خود، برخی از اموری را که پیش‌تر در اختیار علمای مذهبی قرار داشت از دست آنان خارج ساخت و نقش آنان را محدودتر کرد،^۲ تا در برابر اقلیت‌های گوناگون دینی به‌ویژه مسیحیان که مخصوصاً در مبادلات تجاری اهمیت یافته بودند، از سیاست مداراآمیز خود پشتیبانی کنند.^۳ از سوی دیگر در همین دوره عالمان متفکدی می‌زیستند که نظریه کمابیش همدلانه‌ای نسبت به موسیقی داشتند. شیخ بهایی که سرآمد علمای عصر شاه عباس اول به شمار می‌آمد،^۴ در باب فراگیری و تعلیم موسیقی می‌نویسد: «آموختن و تعلیم موسیقی از نظر شرعی مانعی ندارد و بسیاری از فقها مهارت ویژه‌ای در این علم داشته‌اند و کتاب‌هایی که در این علم تدوین شده مفید امور علمیه محض است».^۵

این نگرش و حمایت شاه و همدلی برخی از علما روح تازه‌ای در موسیقی ایرانی دمید، و نگرش منفی به موسیقی و موسیقی‌دانان تضعیف شد و مسیر فعالیت نوازندگان و خوانندگان هموارتر گردید.^۶ این واقعیت را می‌توان از کثرت موسیقی‌دانان زنده این عهد، که بعضی از آنها آثار گران‌بهای در موسیقی به‌وجود آورده‌اند دریافت. از جمله رساله موسیقی *انیس‌الارواح*، تألیف ابراهیم کاشف‌الدین محمد یزدی در یک مطلع و سه مقصد و یک خاتمه. این رساله در زمینه مقام‌ها و پرده‌های موسیقایی در خور توجه است.^۷ دیگر رساله موسیقی *تذکره‌النغم*، تألیف محمد مومن گونابادی / محمد مؤمن منشی است، مشتمل بر یک مقدمه چهار فصل و یک خاتمه: فصل اول در وجه تسمیه موسیقی، فصل دوم در باب دانستن مقام‌ها، فصل سوم در شعبات، فصل چهارم در آوازها، فصل پنجم در بحراصول، فصل ششم در تصنیفات موسیقی.^۸ همچنین باید از رساله موسیقی آقا مؤمن مصنف، نیز در همین دوره یاد کرد. وی در این رساله

۱. دوین جی استوارت، ۱۸.

۲. اسکندر منشی، ۷۶۱/۲.

۳. همانجا.

۴. وی در اکثر علوم بهره‌مند بود، خصوصاً در علم طب، ریاضی، فقه، موسیقی و شعر و شاعری.

۵. بهایی، *کشکول*، ۲۱۰.

۶. دلاواله، ۲۳۵.

۷. نسخه مجلس، شماره ۲۵۹.

۸. فخرالزمانی، ۴۲۱-۴۵۲؛ ستایشگر، ۶۵۶/۳.

تصنیف‌هایی را با ذکر وقت مناسب خواندن آنها نقل کرده است.^۱ بر پایه این رسالات درمی‌یابیم نظام موسیقایی عصر صفوی بر اساس مقامات دوازده‌گانه قدیم بوده است.

به هر رو، شاه عباس که منابع از مهارت او در موسیقی و ساختن تصانیف مطالبی نقل کرده‌اند، نه تنها مانعی برای موسیقی‌دانان ایرانی ایجاد نکرد، بلکه موجب آشنایی ایرانیان با موزیک غربی نیز شد.^۲ او برای آشنا ساختن نوازندگان ایرانی با نواختن و ساختن آلات موسیقی غربی، هیأت‌های خارجی و موسیقی‌دان‌های هم‌راهشان را به دربار دعوت می‌کرد تا به اجرای موسیقی بپردازند.^۳ آنتونیو دو گروه آ در این باب می‌نویسد: «شاه از من خواست که به چند تن از همراهان موسیقی‌دان خویش دستور دهم برای او آواز بخوانند، من هم اطاعت کردم و همگی برای او آواز خواندیم و نوازندگان به اجرای موسیقی پرداختند. شاه بسیار خرسند شد و برای اینکه خوشحالی خود را آشکار کند با یکی از آلات موسیقی نوایی زد و اشعاری به فارسی خواند».^۴ به گفته فیگوررا، شاه عباس خود به محله ارمنی‌ها می‌رفت و ساعت‌ها به شنیدن ساز و آواز وقت می‌گذراند و عده‌ای از موسیقی‌دانان حرفه‌ای را برای آموختن نزد نوازندگان ارمنی می‌فرستاد.^۵

بر پایه سفرنامه‌های اروپائیان عصر صفوی، شماری از مسافران خارجی سعی در فراگیری و انتقال موسیقی ایرانی به اروپا داشتند، ولی این گونه اطلاعات غالباً در منابع فارسی منعکس نگردیده است. پیتر دلاواله، جهانگرد و موسیقی‌شناس مشهور ایتالیایی که در عصر شاه عباس اول به ایران سفر کرده بود، در این زمینه می‌نویسد: «در قصر فرح آباد مازندران نوازندگان شاه با آلات موسیقی خود یعنی سه تار، دایره و نی و تعداد دیگری ساز نآشنا در دربار بودند تا بخوانند و بنوازند. من سعی دارم بعضی از این آلات موسیقی را که نوایی بسیار خوش دارند با خود به ایتالیا ببرم».^۶

بنابراین، ارتباط با دیگر ادیان، سیاست‌های خارجی و برنامه‌های شاه عباس، منجر به آن شد که جماعتی از هنرمندان و موسیقی‌دانان سایر ملل متوجه اصفهان شوند و بدون هیچ گونه

۱. رساله موسیقی آقامؤمن مصنف، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۸۴۹۹، گ ۲۰، ۴۴ پ.
۲. نهاوندی، (۳) ۹۴۲؛ نصرآبادی، ۳۱۸-۳۱۹؛ دلاواله، ۱۸-۲۳، ۴۹-۵۸، ۵۱۸؛ شاردن، ۲/۳۲۳.
۳. دوگروه آ، ۷۰.
۴. همو، ۷۰.
۵. فیگوررا، ۳۱۸/۱-۳۲۰.
۶. دلاواله، ۱۸، ۵۸، ۱۷۵.

محدودیت ناشی از تعلق جنسی، آزادانه هنرنمایی کنند.^۱ این در حالی است که در اوایل حکومت صفوی، هنر موسیقی جایگاهی در خور نداشت و در قیاس با هنرهای دیگر، مانند نقاشی، شعر، خطاطی و امثال این ها، وضع نابسامانی داشت؛ اما بر خلاف آن پیشینه، اینک در عصر شاه عباس اول، نه تنها نظام موسیقایی مشرق زمین به اروپا شناسانده می‌شد و زمینه‌های تحول و نوجویی در موسیقی ایران رشد می‌یافت، بلکه نوازندگان خارجی نیز با فراگیری موسیقی ایرانی و انتقال آن به اروپا،^۲ بسترهای رشد و یا تغییر برخی از آلات موسیقی و نواهای موسیقایی ایران را در دوره‌های بعد، خصوصاً عصر قاجار فراهم می‌کردند.

پس از شاه عباس

تکرار سال‌های رکود: با مرگ شاه عباس اول (د. ۱۰۳۸ هـ) روزگار ضعف و کاهش قدرت سلسله صفوی نیز آغاز شد، زیرا کسانی که از امور کشورداری سررشته‌ای نداشتند و فاقد کفایت و کارآمدی لازم بودند، به حکومت رسیدند. حکومت شاه صفی (حک: ۱۰۳۸-۱۰۵۲ هـ) آغاز این دوره است.^۳ اما حضيض انحطاط سلطنت صفوی در دوره شاه سلیمان (حک: ۱۰۷۷-۱۱۰۵ هـ) ظاهر شد^۴ که به سقوط قطعی این سلسله در زمامداری شاه سلطان حسین (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـ) منجر گردید.

ضعف و پریشانی حاکم بر اوضاع کشور و دربار ایران در این دوره موجب شد که علما فرصت را غنیمت شمردند و بر حوزه نفوذ خویش بیفزایند؛ به طور کلی قدرت حکومت صفویان با قدرت روحانیون، نسیتی معکوس داشت و ضعف هر یک زمینه را برای قدرت دیگری فراهم می‌کرد. از این رو، سال‌های پایانی دولت صفویه، در واقع زمان اوج قدرت علما بود که چهره‌های برجسته‌ای از آنان توانستند به مناصبی مهم دست یابند^۵ و در پی روندرو به رشد سخت‌گیری آنان بر سنیان، علی‌رغم مخالفت‌های شاه صفی و عدم آگاهی کافی او به قواعد ملک‌داری، اهل

۱. دلاواله، ۲۰-۲۳، ۷۱؛ تاورنیه، ۲۸۲-۲۸۳.

۲. دلاواله، ۱۸، ۵۸، ۱۷۵.

۳. خواجگی اصفهانی، ۴۰-۴۷.

۴. خاتون آبادی، ۵۳۷-۵۴۴.

۵. خواجگی اصفهانی، ۴۰-۴۷؛ ملاکمال، ۱۱۵؛ نصیری، ۱۸-۱۹؛ محمدخلیل مرعشی، ۲۲-۳۲؛ سفرنامه کمپفر، ۱۲۷؛ سفرنامه سانسون، ۳۷.

سنت فضای مذهبی حاکم بر ایران را نامناسب یافتند^۱ و موسیقی دانان و آوازه‌خوانان بی‌مناک ساخت و عرضه هر گونه فعالیت هنری را بر آنان دشوار کرد.^۲

در دوران بیست و پنج ساله حکومت شاه عباس دوم (حک: ۱۰۵۲-۱۰۷۷ ه) اصلاحات اجتماعی از سوی علما برای اجرای امر به معروف و نهی از منکر شدت یافت.^۳ آنان در این دوره، نسبت به مقابله با موسیقی همدستان بودند و مواجهه سخت‌گیرانه‌ای با آن داشتند، چنان که مردمان را از مطالعه کتاب‌های موسیقایی سخت منع می‌کردند؛^۴ برای نمونه، ملا محمد تقی مجلسی (د. ۱۰۷۰ ه) و محمد علی سبزواری (د. ۱۰۷۸ ه) معتقد بودند که «آوازی که با آلات موسیقی چون رباب، چنگ و بربط و امثال آن باشد حرام است، زیرا اکثر احادیثی که در مذمت غنا واقع شده دال است بر مذموم بودن آواز، جهت مقارن بودن با ساز».^۵ محقق سبزواری (۱۰۱۷-۱۰۹۰ ه) هم که جایگاه مذهبی و سیاسی بلندی به روزگار شاه صفی و شاه عباس دوم در اصفهان داشت و به مقام شیخ الاسلامی نیز رسیده بود، رساله‌ای در تحریم موسیقی داشت.^۶

شاردن فرانسوی معاصر با شاه سلیمان صفوی (حک: ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ه.ق) که به ایران سفر کرده و شاهد انحطاط موسیقی بوده، می‌گوید: «نواختن و آموختن آلات موسیقی خلاف ادب و حتی بدتر شمرده می‌شود؛ زیرا مذهب استعمال آن را حرام شمرده است. روحانیون و اشخاص مؤمن، حتی از شنیدن آواز آلات طرب نیز امتناع می‌ورزیدند و به همین جهت این فن در ایران به مانند اروپا صیقل نیافته و پیشرفتی نکرده است».^۷

نتیجه این موضع‌گیری‌ها علیه موسیقی آن شد که اکثر موسیقی‌دانان این دوره از منزلت و جایگاه اجتماعی پایین‌تری در مقایسه با دیگر گروه‌ها برخوردار بودند، چنان که بسیاری از آنها توانایی امرار معاش را نیز نداشتند. شاردن در این باره می‌نویسد: «گروه موسیقی غیر

۱. خواجگی اصفهانی، ۴۰-۴۷.

۲. سفرنامه آدام التاریوس، ۷۰-۷۱.

۳. محمد طاهر قزوینی، عباسنامه، ۷۰-۷۲.

۴. همو، همانجا؛ نیز نک: آدام التاریوس، ۷۰-۷۱.

۵. محمد علی سبزواری، تحفه‌العباسی، باب دهم، ۱۶۰۶-۱۶۱۱؛ محمد تقی مجلسی، رساله مستغلات، ۷۰۴؛

نیز نک: واله اصفهانی، ۵۳۹.

۶. محقق سبزواری، رساله فی تحریم غنا؛ افندی، ۴۸۰/۵-۴۸۲.

۷. سیاحتنامه شاردن، ۱/۱۴۴.

درباری را، چنان که من ملاحظه کرده‌ام، مایه و پایه‌ای نیست. اینان در مقابل وجه اندکی به منازل اشخاص می‌روند»^۱. اما وضع موسیقی‌دانان داخل دربار کمی بهتر از موسیقی‌دانان غیر درباری بوده است؛ زیرا دربار مأمنی بود که در آن نوازندگان و خوانندگان از امکانات و آسایش نسبی برخوردار می‌شدند.^۲

در دوره شاه سلطان حسین (حک: ۱۱۰۵-۱۱۳۵ هـ) نیز روند موضع‌گیری‌های علما برضد موسیقی، توسط عالمانی چون محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ هـ) و آقا جمال خوانساری، تداوم یافت؛^۳ چنان که به فتوای همینان؛ «نواختن دف و نای و کمانچه و برپت و عود و چارتار ممنوع شد»^۴. در این دوره به دستور شاه سلطان حسین، میرزا ابوالقاسم مجلس نویس، دعوتی از علمای اعلام به عمل آورد و آنان در اعلامیه‌ای حمایت خود را از قانون منع موسیقی توسط شاه، اعلام کردند.^۵ سرانجام نواختن این قبیل آلات موسیقی فقط در مجالس عروسی، مشروط بر آنکه زنان برای زنان و مردان برای مردان بنوازند، مجاز اعلام شد.^۶

نتیجه

با شکل‌گیری دولت صفوی به دست شاه اسماعیل اول و به علت علاقه و توجه او به شعر و سازهای موسیقی، زمینه‌های رونق موسیقی در همان اوایل حکومت صفوی فراهم گردید؛ توجه به این هنر را می‌توان به وجود مجالس موسیقی و خیل عظیم موسیقی‌دانان این دوره و نیز القاب مطنطنی که بدانها داده می‌شد، ردیابی کرد. لیکن با وجود این زمینه‌های مساعد و مناسب برای موسیقی، سیاست‌های شاه اسماعیل اول در حمایت ویژه از مذهب شیعه و سخت‌گیری او بر مذاهب رقیب، موجب مهاجرت بسیاری از موسیقی‌دانان سنی مذهب ایرانی به خارج از قلمرو صفویه شد. همچنین ورود علما و فقهای شیعه به دربار صفویان و نقش آفرینی آنان در جریان‌های دینی و سیاسی در دوره شاه طهماسب اول، منجر به صدور فرمان‌های حکومتی منع موسیقی و ساخت سازهای مختلف موسیقایی شد. چنین فرایندی سبب تحقیر و

۱. شاردن، ۱/ ۱۱۵.

۲. سانسون، ۱۱۹.

۳. نصیری، ۳۵.

۴. همو، ۴۰-۴۴.

۵. همو، ۴۳-۴۴.

۶. نصیری، ۴۳-۴۴.

طرد استادان موسیقی و شاگردان مستعد گشت. اما توجه شاه عباس اول به ارتباط با دیگر ادیان، سیاست‌های خارجی و نیز به دلیل علاقه او به موسیقی، این هنر رونقی گرفت؛ از یک سو، نظام موسیقایی مشرق زمین به اروپا شناسانده شد و از سوی دیگر زمینه‌های تحول و نوجویی در موسیقی ایران رشد یافت و بستر رشد و یا تغییر برخی از آلات موسیقی و نواهای موسیقایی ایران را در دوره‌های بعد، خصوصاً عصر قاجار نیز فراهم گردید.

کتابشناسی

- اسکندر منشی، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، ۲ جلد، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- اصفهانی، محمد معصوم بن خواجگی، *خلاصه السیر*، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۸ ش.
- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، *ریاض العلماء و حیاض الفضلا*، ترجمه محمد باقر ساعدی، مشهد، موسسه آستان قدس رضوی، بی تا.
- افوشته ای نطنزی، محمود بن هدایت الله، *تقاوة الآثار فی ذکر الاخیار*، به کوشش احسان اشراقی، چاپ دوم، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ش.
- مینی، امیر صدرالدین سلطان ابراهیم، *فتوحات شاهی/ فتوحات امینی*، به کوشش محمدرضا نصیری، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ش.
- اوحدی بلیانی، تقی الدین محمد، *تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفین*، به کوشش محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر، ۱۳۸۸ ش.
- اولناریوس، آدام، *سفرنامه آدام اولناریوس*، ترجمه احمد بهپور، تهران، ابتکار، ۱۳۶۳ ش.
- براون، ادوارد گرانویل، *تاریخ ادبیات ایران از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر*، ترجمه رشید یاسمی، تهران (بی نا)، ۱۳۴۶ ش.
- بلر، شیلا؛ بلوم، جانانان، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۱ ش.
- تاریخ جهانگشای خاقان*، مقدمه امرالله دتا مضطر، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴ ش.
- تاورنیه، ژان پاپتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابوتراب نوری، به کوشش حمید ارباب شیرانی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۶۹ ش.

- تتوی، قاضی احمد؛ قزوینی، آصف خان، *تاریخ الفی*، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، ۸ جلد، چاپ اول، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- ترکمان، اسکندربیک، *تاریخ عالم آرای عباسی*، به کوشش ایرج افشار، ۲ جلد، چاپ چهارم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- حسینی سیفی قزوینی، میرعلاءالدوله، *تذکره نفاث المآثر*، بی تا.
- حسینی خاتون آبادی، عبدالحسین، *وقایع السنسین و الاعوام*، به کوشش محمدباقر بهبودی، چاپ اول، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۲ ش.
- حسینی قمی، قاضی احمدبن شرف الدین الحسین، *خلاصه التواریخ*، به کوشش احسان اشراقی، ۲ جلد، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۹ و ۱۳۶۳ ش.
- خطایی، سید علی اکبر، *خطای نامه*، به کوشش ایرج افشار، تهران، مرکز اسنادفرهنگی آسیا، ۱۳۵۷ ش.
- خواندمیر، امیرمحمود، *تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی*، به کوشش محمد علی جراحی، تهران، گستره، ۱۳۷۰ ش.
- خواندمیر، غیاث الدین محمد شیرازی، *حبیب السیرفی اخبار افراد البشر*، مقدمه جلال الدین همایی، به کوشش محمد دبیرسیاقی، چاپ چهارم، تهران، خیام، ۱۳۸۰ ش.
- دلاواله، پیتر، *سفرنامه پیتر دلاواله*، قسمت مربوط به ایران، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- دوین جی استوارت، «نکاتی درباره مهاجرت فقهای عاملی به ایران در عهد صفویه»، ترجمه محمدکاظم رحمتی، *کتاب ماه دین*، شماره ۵۶ و ۵۷ (۱۳۸۱): ۸۲-۹۹.
- همو، «نخستین شیخ الاسلام قزوین، پایتخت صفویه، تحلیلی از رساله عقدالحسینی»، ترجمه محمدکاظم رحمتی، *آینه پژوهش*، شماره ۶۸، ۳۷-۵۷.
- راهگانی، روح انگیز، *تاریخ موسیقی ایران*، تهران، پیشرو، ۱۳۷۷ ش.
- روملو، حسن بیگ، *احسن التواریخ*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، ۱۳۵۷ ش.
- سام میرزا صفوی، *تذکره تحفه سامی*، به کوشش رکن الدین همایون فرخ، تهران، انتشارات علمی، بی تا.
- سانسون، مارتین، *سفرنامه سانسون* (وضع کشورشاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی)، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۶ ش.
- سبزواری، محمدعلی، *تحفه العباسیه*، شیراز، کتابخانه احمدی، ۱۳۲۶ ش.
- ستایشگر، مهدی، *واژه‌نامه موسیقی ایران زمین*، ۲ جلد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۴ ش.
- همو، *نام‌نامه موسیقی ایران زمین*، چاپ اول، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۶ ش.

- سیوری، راجر، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۴ ش.
- شاردن، ژان، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، ۵ جلد، تهران، توس، ۱۳۷۲ - ۱۳۷۵ ش.
- شاملو، ولی قلی بن داوودقلی، *قصص الخاقانی*، به کوشش حسن سادات ناصری، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- شیخ بهایی، کشکول، به کوشش عزیزالله کاسب، تهران، گلی، ۱۳۷۶ ش.
- شیرازی نویدی، عبدی بیگ، *تکمله الاخبار*، به کوشش عبدالحسین نوایی، چاپ اول، تهران، نشرنی، ۱۳۶۹ ش.
- صفی‌الدین، عبدالمومن، *بهجت الروح*، به کوشش ه.ل. رابینویرگوماله، تهران، انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ش.
- طهماسب صفوی، *تذکره شاه طهماسب*، به کوشش عبدالشکور، ۱۳۴۳ ش.
- عالم آرای صفوی*، به کوشش یدالله شکری، چاپ دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۶۳ ش.
- فخرالزمانی، ملاعبدالنبی، *تذکره میخانه*، به کوشش احمد گلچین معانی، تهران، انتشارات شرکت حاج محمدحسین اقبال و شرکاء، ۱۳۴۰ ش.
- فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا، *سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئرا*، سفیراسپانیا در دربار شاه عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، چاپ اول، تهران، نشرنو، ۱۳۶۳ ش.
- قزوینی، منشی بوداق، *جواهر الاخبار*، به کوشش محسن بهرام نژاد، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۸ ش.
- قزوینی، یحیی بن عبدالطیف، *لب التواریخ*، چاپ اول، تهران، بنیادوگویا، ۱۳۶۳ ش.
- کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه کمپفردر دربار شاهنشاه ایران*، ترجمه کیکووس جهاننداری، چاپ سوم، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۳ ش.
- کوکبی گرجی، امیرخان، *رساله موسیقی کوکبی گرجی*، نسخه ملک، شماره ۱۶۵۲ ش.
- مجلسی، محمدتقی، *رساله مسئولات*، به کوشش ابوالفضل حافظیان، میراث اسلام و ایران، دفتر سوم، ۱۳۷۴ ش.
- محقق سبزواری، *رساله فی تحریر الغنا*، به کوشش علی مختاری، در *میراث فقهی، غنا و موسیقی*، دفتر اول، ۱۳۷۶ ش.
- محقق کرکی، *جامع المقاصد*، تحقیق مؤسسه آل بیت، قم، ۱۴۰۹ قمری.
- مختاری، رضا و محسن صادقی، *میراث فقهی (۱): غنا و موسیقی*، دفتر اول و دوم، قم، مدرسه ولی عصر (عج).
- مراغی، عبدالقادر، *مقاصد الاحیان*، به اهتمام تقی بینش، چاپ دوم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب،

- همو، جامع *الاحیان*، به اهتمام تقی بینش، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی آسیا، ۱۳۶۶ش.
- همو، شرح *ادوار*، به کوشش تقی بینش، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۰ش.
- مرعشی صفوی، محمدخلیل، مجمع *التواریخ*، به کوشش عباس اقبال آشتیانی، چاپ اول، تهران، کتابخانه طهوری و سنایی، ۱۳۶۲ش.
- مشحون، حسن، *تاریخ موسیقی ایران*، چاپ اول، تهران، نشر نو، ۱۳۸۰ش.
- ملا کمال، کمال الدین، *تاریخ ملا کمال*، به تصحیح ابراهیم دهگان، چاپ اول، اراک، ۱۳۳۴ش.
- نصرآبادی، میرزا محمدطاهر، *تذکره نصرآبادی*، به کوشش وحید دستگردی، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۶۱ش.
- نصیری، محمد ابراهیم، *دستور شهریاران*، به کوشش محمد نادر نصیری مقدم، چاپ اول، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۲ش.
- نهادی، عبدالباقی، *مآثر رحیمی*، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، انجمن مفاخر اسلامی، ۱۳۸۱ش.
- واصفی، زین الدین محمود، *بدایق الوقایع*، تصحیح الکساندر بلدروف، ۲ جلد، تهران، انتشارات بنیاد و فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ و ۱۳۵۰ش.
- واله اصفهانی، محمدیوسف، *خلد برین*، به کوشش میرهاشم محدث، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۲ش.
- وحید قزوینی، محمدطاهر، *عباسنامه*، به کوشش ابراهیم دهگان، چاپ اول، اراک، کتابفروشی داوودی، ۱۳۲۹ش.
- همو، *تاریخ جهان آرای عباسی*، به کوشش سیدسعید میرمحمد صادق، زیر نظر احسان یارشاطر، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- هدایت، رضاقلی خان، *تاریخ روضه الصفای ناصری*، تهران، نشر مرکز و خیام، ۱۳۳۸ش.